

سرمایه فرهنگی شرکت‌کنندگان در ورزش همگانی (سیاست‌گذاری و راهکارها)

امین عادلخانی،* دکتر سیدمحمدکاظم واعظ موسوی،** دکتر ابوالفضل فراهانی***

تاریخ دریافت ۹۱/۵/۱	تاریخ پذیرش ۹۱/۹/۲۵
---------------------	---------------------

سرمایه فرهنگی از مهم‌ترین متغیرهای فرهنگ بوده و هدف پژوهش حاضر، شناخت سرمایه فرهنگی شرکت‌کنندگان در ورزش همگانی است. روش تحقیق، توصیفی - زمینه‌یابی و جامعه آماری آن، همه مردان و زنان شرکت‌کننده در ورزش‌های همگانی شهر تهران بودند که از این میان ۶۵۹ نفر به صورت تصادفی خوشه‌ای نمونه‌گیری شدند. در این تحقیق، سرمایه فرهنگی را متغیرهای میزان مطالعه و سطح تحصیلات شرکت‌کننده، همسر و فرزند تشکیل می‌دهد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها و مقایسه سرمایه فرهنگی مردان و زنان، از شیوه‌های آمار توصیفی (شاخص پراکنندگی و گرایش مرکزی، مرتبه‌ها و نقطه‌های درصدی و نمره استاندارد Z) و آمار استنباطی (آزمون‌های کولموگوروف - اسمیرنوف، لیون و t دو گروه مستقل) استفاده شده است. براساس نتایج، ۸۱/۱ درصد افراد از سرمایه فرهنگی متوسط و کمتر و ۱۸/۹ درصد از سرمایه فرهنگی بالا برخوردارند؛ همچنین تفاوت معناداری بین میزان سرمایه فرهنگی زنان با مردان مشاهده نشد. توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات و بهره‌گیری از فناوری‌های نو در آموزش و ترویج فرهنگ ورزش همگانی، برپایی خانه ورزش در مراکز علمی، مدیریت واحد و برنامه‌ریزی مدون و ایجاد ساختار ملی برای ورزش همگانی، ترویج فرهنگ مشارکت همگانی در رفع مشکلات شهر و ناهنجاری‌های اجتماعی با ورزش همگانی از مهم‌ترین سیاست‌ها و راهکارهای پیشنهادی است.

کلیدواژه‌ها: سرمایه فرهنگی؛ ورزش همگانی؛ مدیریت شهری؛ سیاست‌ها؛ راهکارها

* کارشناسی ارشد تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)؛

Email: a.adelkhani@gmail.com

** استاد دانشکده علوم اجتماعی و فرهنگی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)؛
Email: vaez_mohammad@yahoo.com.au

Email: afarahani@pnu.ac.ir

*** استاد گروه تربیت بدنی، دانشگاه پیام نور؛

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال نوزدهم، شماره شصت و نه، بهار ۱۳۹۱

مقدمه

پاسخ‌گویی به نیازهای پایه‌ای و اساسی جمعیت شهری و تشخیص فعالیت‌های اغلب آن از وظایف دولت‌های مرکزی و مدیریت شهری است (خوش‌چهره، ۱۳۸۹: ۲). حکومت‌ها و مدیریت‌های شهری درصدد بهره‌گیری از سرمایه‌ها برای زندگی بهتر شهروندان و مدیریت بهتر شهر هستند به طوری که آنها در چند سال اخیر برای رفع محرومیت اجتماعی اقدامات گسترده‌ای انجام داده‌اند. از این رو تلاش بر این است که با کاهش فاصله بین محروم و برخوردار زندگی ایمن‌تر، ارزان‌تر و انسانی‌تر فراهم شود و شعار شهر شامل^۱ در برابر شهر فاصل^۲ به تدریج رواج یابد. در شهر شامل، شهروندان می‌توانند در مورد کارکرد و اداره شهر خود نظر دهند و به این ترتیب با جلب همکاری گسترده مردم به‌ویژه مردم محروم در مناطق خود، باب مشارکت همگانی گشوده می‌شود؛ که با این امر امکان حضور در عرصه‌های اجتماعی و بروز توانایی‌ها و رفع موانع دسترسی به منابع و خدمات همگانی تحقق می‌یابد. در این خصوص روی آوری به ورزش؛ امکان حضور، ارتباط و مشارکت افراد و گروه‌های اجتماعی مختلف را در هر جامعه، به‌ویژه در کلان‌شهرها فراهم می‌کند. رقابت‌های ورزشی تنها فرصتی است که ورزش کاران، فارغ از جایگاه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و به دور از تبعیضات نژادی، دینی، قومی و جنسی می‌توانند مشارکت کنند. برای دسترسی به امکانات ورزشی، تفاوت‌های سنی و معلولیت‌های جسمی منظور نمی‌شود، بنابراین زمینه‌های برخوردار شدن شهروندان از زندگی و خدمات پایه شهری فراهم می‌شود (سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴ ج: ۳۳-۳۱).

۱. در شهر شامل شهروندان در اداره امور شهر با مدیریت شهری همفکری داشته و امکانات اجتماعی و رفاهی برای همه شهروندان به صورت عادلانه فراهم است.

۲. در شهر فاصل شهروندان به‌ویژه مردم محروم حق مشارکت و همفکری در امور شهری را نداشته و امکانات اجتماعی و رفاهی برای مردمی با طبقات اجتماعی - اقتصادی مختلف ناعادلانه است. به عبارت دیگر شهروندانی با طبقات اجتماعی - اقتصادی بالا از امکانات بهتری نسبت به شهروندانی با طبقات پایین برخوردارند.

امام موسی کاظم (ع) می‌فرماید: اوقات شبانه‌روز را به چهار بخش قسمت کنید: اول عبادت و راز و نیاز، دوم امرارمعاش و کسب و کار، سوم ارتباط و رفت‌وآمد با دیگران و در آخر فراغت و تفریحات سالم که به این وسیله برای سه قسمت اول نشاط پیدا کرده و موفقیت در این امور حاصل خواهد شد (قرائتی، ۱۳۹۰: ۴۷). منشور آتن نیز تقریباً همسو با فرمایش امام موسی کاظم (ع)، شهرها را محل تبلور چهار فعالیت غالب یعنی سکونت (مسکن)، کسب و کار (فعالیت اقتصادی)، رفت‌وآمد (حمل و نقل شهری) و فراغت و تفریح (ورزش و ...) می‌داند. ورزش با کارکردها و تأثیرات مختلف خود، به‌خصوص نقش محوری‌اش در شادابی و نشاط عمومی از یک طرف و سهم بالای آن در اوقات فراغت و تأثیرگذاری عمیق آن در سلامت روح و روان از طرف دیگر، یکی از جنبه‌ها و حوزه‌های مهم مدیریت شهری و مبتنی بر مشارکت مردمی است (خوش‌چهره، ۱۳۸۹: ۲). جای دادن ورزش در اوقات فراغت افراد، بی‌نظمی‌ها را کاهش و به شخصیت آنها به‌صورت فزاینده‌ای ثابت می‌دهد (Sieracki and et al., 2008: 802).

ورزش به‌عنوان یکی از فعالیت‌های فراغتی از نوع فعال، نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ سلامت جسمی و روحی انسان‌ها دارد. داشتن زندگی سالم مستلزم تحرک و فعالیت‌های ورزشی است، این موضوع بارها در پژوهش‌های مختلف بیان شده است. آگاهی افراد از تأثیرات مطلوب فعالیت‌های ورزشی بر دستگاه‌های مختلف بدن، موجب شده تا گرایش به این امر روزبه‌روز افزایش یابد (صفانیا، ۱۳۸۰: ۱۲۹). تأکید مردم از فعالیت‌های رقابتی به سمت ورزش‌های آزاد تغییر کرده است، این رویکرد در کشورهای دیگر نیز دیده می‌شود (غفوری و همکاران، ۱۳۸۳: ۷)؛ تحقیقات انجام شده در قاره اروپا نشان می‌دهد که رویکرد اصلی آنها گسترش ورزش همگانی است (مظفری و قره، ۱۳۸۴: ۱۵۴). نتایج رساله دکتری غفوری نیز به افزایش سرمایه‌گذاری در ورزش همگانی ایران تأکید دارد (غفوری، ۱۳۸۲: ۱۲۱) چون این مسئله بر سلامت افراد بیشتری از جامعه تأثیر می‌گذارد و سرمایه‌گذاری دولت، موجب بهبود چندبرابری سلامت و بهداشت در جامعه می‌شود

(غفوری و همکاران، ۱۳۸۲: ۷۱). اختصاص دادن مدت کوتاهی از زندگی روزانه به فعالیت‌های ورزشی و به‌ویژه در چارچوب ورزش همگانی، علاوه‌بر تأثیر آن در تأمین سلامت و نشاط فردی و ارتقای سلامت اجتماعی در پیشگیری از اشاعه برخی آسیب‌های اجتماعی نیز مؤثر خواهد بود. از این رو توسعه ورزش همگانی به‌صورت راهبردی برای ارتقای فرهنگ شهروندی و تقویت سرمایه اجتماعی و مشارکت مردم در امور زندگی شهری به‌شمار می‌آید (ایازی، ۱۳۸۹).

ورزش همگانی، تربیت بدنی یا ورزش برای همه تعریف شده است (سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴ الف: ۱۳)، به‌عبارت‌دیگر ورزش همگانی به انواع فعالیت‌های جسمی اعم از بازی‌های غیرمنظم و خودجوش بومی، ورزش صبحگاهی، فعالیت در پارک‌ها و فضای باز، کوهپیمایی، کلاس‌های آمادگی جسمانی تا تمرین‌های بدنی و روانی اطلاق می‌شود که به انقباض عضلانی و در نتیجه افزایش مصرف انرژی و ضربان قلب در فرد منجر شود. ورزش همگانی عموماً به ورزش‌های گروهی غیررقابتی و بدون هزینه یا ارزان‌قیمت گفته می‌شود که افراد رده سنی سه تا بالای هفتاد سال در آن شرکت می‌کنند. به این منظور سازمان‌های ذی‌ربط مانند فدراسیون ورزش همگانی و شهرداری‌ها موظف‌اند برای گسترش تعداد شرکت‌کنندگان در فعالیت‌های ورزشی بدون محدودیت‌های سنی، جنسیت، معلولیت و ... با هدف سلامت و تفریح تلاش کنند (همان: ۱۱). اهمیت ورزش همگانی از ابعاد مختلف قابل شناسایی است که در ادامه این موارد بررسی می‌شود.

اسلام از دست دادن سلامت را تباهی و کاستی بزرگی می‌داند در حالی که بهره گرفتن از خوراک خوب، پرورش، پیرایش و آرایش مناسب تن، پرهیز از کندی، دست یافتن به چابکی و تنومندی از نیکی‌ها و خواستنی‌هاست که بسیار بدان اشاره شده است. البته در همه این موارد رعایت توازن و تعادل همواره سفارش شده است (همان، ج ۱۳۸۴: ۵۱-۵۰). وضعیت سلامت جامعه یکی از ابعاد مهم در ورزش همگانی است. براساس آمار منتشره وزارت بهداشت در سال ۱۳۷۹، بیش از ۴۱ درصد علل مرگ‌ومیر به پنج بیماری مربوط

بوده که عامل سه بیماری ناشی از کم تحرکی است. نحوه گذران اوقات فراغت نیز از ابعادی است که در ورزش همگانی بررسی می شود. براساس تحقیقی در شهر تهران، مشخص شد با وجود افزایش فعالیت بدنی در اوقات فراغت، باز هم ۸۴ درصد مردم با تماشای تلویزیون اوقات فراغت خود را پر می کنند (همان: ۴۸-۴۶). یکی دیگر از ابعاد مهم، تعداد شرکت کنندگان در ورزش همگانی است. براساس بررسی منابع مختلف، میزان شرکت کنندگان در ورزش همگانی در سال ۱۹۷۹ در ژاپن ۶۸، سوئد ۵۰، استرالیا ۵۲، دانمارک ۴۵، هنگ کنگ ۵۴ درصد و در سال ۱۹۹۸، نروژ ۴۱، سنگاپور ۳۸، فرانسه ۳۵، چین ۳۳، ایتالیا و جمهوری چک ۳۳، یوگسلاوی، فیلیپین و اسپانیا ۲۰ درصد بوده است (همان: ۷۶؛ مظفری و قره، ۱۳۸۴: ۱۵۴).

ایران با ۵/۹۲ درصد در رده آخر قرار دارد (مظفری و قره، ۱۳۸۴: ۱۵۱)، این در حالی است که در بند «۳» اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به گسترش ورزش همگانی به صورت رایگان تأکید شده است (اداره کل تنقیح و تدوین مقررات جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۹: ۴). این آمار نگران کننده با شعار: «انسان سالم محور توسعه پایدار» در تناقض است. از این رو برنامه ریزی واقع بینانه برای بهبود وضعیت موجود، ضروری به نظر می رسد. برای برنامه ریزی، ارائه سیاست و راهکار متناسب با واقعیت ابتدا باید وضعیت موجود را از ابعاد گوناگون بررسی کرد. یکی از این ابعاد که کمتر مورد توجه قرار گرفته، مسائل جامعه شناختی حوزه ورزش است که با شناخت سرمایه های انسانی می توان متناسب با این واقعیات برنامه ریزی کرد. از جمله این سرمایه های انسانی، سرمایه فرهنگی است که در ذیل به توصیف و اهمیت آن اشاره می شود.

در فرهنگ جوامع، برخی گروه ها دارای باورها، ارزش ها و هنجارهای رایج در جامعه اند، ولی افزون بر آن دارای زیرمجموعه ای از مؤلفه های یاد شده نیز هستند. فرهنگ این گروه ها را خرده فرهنگ می گویند. خرده فرهنگ سبب می شود تا گروهی از جامعه دریابند که منافع مشترک دارند. از منظر جامعه شناسانه «فرهنگ ورزش» یک

«خرده‌فرهنگ» است که به تسامح «فرهنگ ورزش» خوانده می‌شود. این فرهنگ شامل باورها، ارزش‌ها، هنجارها، عادات و ساخته‌های انسان اجتماعی مربوط به ورزش است. خرده‌فرهنگ‌ها با فرهنگ جامعه در تعامل‌اند. از این‌رو فرهنگ ورزش هم از فرهنگ جامعه تأثیر می‌پذیرد و هم بر آن اثر می‌گذارد (سازمان تربیت‌بدنی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴ ج: ۷-۶). بنابراین شرکت‌کنندگان در ورزش همگانی دارای باورها، ارزش‌ها و هنجارها و به عبارت دیگر خرده‌فرهنگ ویژه خود می‌باشند که هم از فرهنگ جامعه تأثیر می‌پذیرند و هم بر آن اثر می‌گذارند.

فرهنگ معنای وسیعی دارد و عبارت است از هر آنچه که در جامعه‌ای معین کسب می‌کنیم، می‌آموزیم و می‌توانیم انتقال دهیم (پورافکاری، ۱۳۷۳: ۳۵۳). مؤلفه‌های فرهنگ پیوسته دستخوش تغییرند. در صورتی که مشخصه‌ها یا پارامترها دچار تغییرات چشمگیر شوند، تحول رخ می‌دهد. تغییر باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نیز ساختارهای انسانی در دوره‌های مختلف تاریخ گویای تحولات فرهنگی است. با گسترش ارتباطات و انتقال یافته‌ها بین جوامع، تحولات فرهنگی بسیار سریع‌تر شده است (همان: ۶). در این میان مقوله علم، دانش و آگاهی از مهم‌ترین متغیرهای فرهنگی فرد و خانواده در نظر گرفته می‌شود (واعظ‌موسوی و نصری، ۱۳۸۳: ۵). پیر بوردیو^۱ مقوله‌های علم و دانش را سرمایه فرهنگی^۲ تعریف می‌کند، به عبارت دیگر سرمایه فرهنگی به «صورت‌هایی از دانش، مهارت‌ها، آموزش و مزایایی که هر فردی واجد آن است و به او اجازه می‌دهد که جایگاه بالاتری در جامعه کسب کند»، گفته می‌شود. از دیدگاه بوردیو، پدران به فرزندانشان خود (با انتقال نگرش‌ها و معرفت‌هایی که در سیستم آموزشی جاری به موفقیت آنان کمک می‌کند) سرمایه فرهنگی می‌بخشند (روحانی، ۱۳۸۸: ۱۴). از این‌رو شناخت سرمایه فرهنگی شرکت‌کنندگان در ورزش همگانی که دارای خرده‌فرهنگ خاص خود بوده و به صورت

1. Pierre Bourdieu
2. Cultural Capital

متقابل از فرهنگ جامعه تأثیر گرفته و بر آن تأثیر می‌گذارد، نه تنها به حکومت‌ها و مدیریت‌های شهری برای هدف‌گرا کردن و برنامه‌ریزی در راستای هدایت و اصلاح باورها، ارزش‌ها و هنجارهای رایج جامعه و تربیت شهروندان و در نتیجه جلوگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی کمک می‌کند، بلکه برای هدایت و برنامه‌ریزی فعالیت‌های ورزش همگانی اهمیت ویژه‌ای دارد.

نابرابری وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زنان و مردان یکی از موضوع‌های جهانی است. سوق یافتن جهان به سوی ارتباطات گسترده و یکپارچه و روند جهانی شدن سبب شده است که به زنان عمدتاً به‌عنوان منبع کار نگریسته شود. متأسفانه به این مسئله که ارتقای همه‌جانبه وضعیت زنان تأثیر مستقیم بر نسل‌ها دارد و از این رو به آموزش و جایگاه اجتماعی مناسب نیازمندند کمتر توجه می‌شود. ایجاد زمینه‌های مناسب برای ورزش بانوان موضوع مهمی در جوامع مختلف است. در کشورهای اسلامی این موضوع اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا زنان به محیط و امکانات مناسب برای انجام ورزش اعم از همگانی، پرورشی و قهرمانی نیازمندند. بنابراین لازم است از حمایت‌های قانونی و سهم سرانه بیشتری نسبت به مردان برخوردار شوند تا از امکانات و تسهیلات ورزشی یکسانی بهره‌مند شوند (سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴ ج: ۳۴). از این رو با مقایسه سرمایه فرهنگی مردان و زنان شرکت‌کننده در ورزش همگانی می‌توان به کاستی‌ها و فزونی‌های موجود به تفکیک جنسیت پی برد و در نتیجه متناسب با جنسیت شرکت‌کنندگان در ورزش همگانی برنامه‌ریزی کرد.

از آنجا که میزان تحصیلات از عوامل تأثیرگذار بر مشارکت ورزشی است (رمضانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۵؛ احسانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۷۷)، آگاهی از سرمایه فرهنگی شرکت‌کنندگان در ورزش همگانی نه تنها بخشی از واقعیت‌های موجود را نشان می‌دهد، بلکه برای برنامه‌ریزی‌های کلان بسیار ضروری به نظر می‌رسد. در ضرورت بررسی این موضوع همین بس که شارع‌پور (۱۳۸۱)، صدیق سروسستانی (۱۳۸۳)، واعظ موسوی و

نصری (۱۳۸۳)، آقاعلی‌نژاد و همکاران (۱۳۸۴)، روحانی (۱۳۸۸)، جوانمرد و ساسان (۱۳۸۹) به تحقیق و پژوهش درباره این متغیر جامعه‌شناختی پرداخته‌اند. البته برخی از آنان سرمایه فرهنگی جامعه ورزشی را بررسی کرده‌اند که در ادامه به توصیف آنها می‌پردازیم. در بین منابع موجود، صدیق سروسنانی (۱۳۸۳) نشان داد که افراد با سرمایه فرهنگی بالا، با بدن همانند «غایت فی نفسه» رفتار می‌کنند و در ورزش‌های مرتبط با سلامتی شرکت دارند، در حالی که افراد طبقات کارگری که اغلب دارای سرمایه فرهنگی پایین هستند، رابطه ابزاری با بدن داشته و اغلب به ورزش‌های سخت مانند بوکس، کشتی و ... گرایش دارند. آقاعلی‌نژاد و همکاران (۱۳۸۴) بین میزان فعالیت بدنی با سرمایه فرهنگی آزمودنی‌ها، رابطه معناداری نیافتند. در ضمن برخی پژوهشگران میزان تحصیلات شرکت‌کنندگان در ورزش را گزارش کرده‌اند از جمله شفیعی (۱۳۷۳)، احمدزاده (۱۳۸۱)، یآوری (۱۳۸۱)، تقوی‌تکیار (۱۳۸۵)، زنگی‌آبادی و همکاران (۱۳۸۸)، رمضان‌نژاد و همکاران (۱۳۸۸)، مظاهر حاجی‌آقا (۱۳۸۹) و رضوی و اشکوه‌طاهری (۱۳۸۹).

در میان این گزارش‌ها بیشترین میزان مشارکت در افراد با تحصیلات دیپلم و زیردیپلم و کمترین میزان مشارکت در افراد با تحصیلات کارشناسی ارشد به بالا گزارش شده است؛ لازم به ذکر است جامعه آماری و روش انتخاب نمونه آماری اکثر تحقیقات فوق مناسب نبوده و نمی‌توان این نتایج را به جوامع دیگر تعمیم داد. از طرفی نتایج تحقیق وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۱) مخالف نتایج فوق است، زیرا با افزایش میزان تحصیلات مشارکت افراد نیز بیشتر می‌شود، البته جامعه آماری در تحقیق این وزارتخانه، همه افراد بوده و نه شرکت‌کنندگان در ورزش همگانی. به‌علاوه عطارزاده حسینی و سهرابی (۱۳۸۶) و حیدری چروده (۱۳۸۹) بیشترین میزان گرایش و نگرش به ورزش را در سطوح تحصیلات بالا گزارش کرده‌اند.

تحقیقات انجام شده نشان‌دهنده اهمیت و ضرورت بررسی سرمایه فرهنگی ورزش‌کاران است. به دلیل اینکه هیچ‌یک از منابع موجود، سرمایه فرهنگی شرکت‌کنندگان در ورزش

همگانی را بررسی نکرده و اکثر آنها فقط میزان تحصیلات شخص شرکت کننده در فعالیت ورزشی را بررسی کرده‌اند، معرف جامعی برای سرمایه فرهنگی نیست. در ضمن جامعه آماری برخی از تحقیقات فوق شامل افراد شرکت کننده در همه فعالیت‌های ورزشی اعم از همگانی، پرورشی، حرفه‌ای و قهرمانی است. از این رو پژوهشی، ضرورت می‌یابد که به صورت اختصاصی به بررسی سرمایه فرهنگی شرکت کنندگان در ورزش همگانی بپردازد. در واقع نقش تکمیلی تحقیق حاضر بر تحقیقات قبلی، جامعیت کامل نمونه آماری و بررسی اختصاصی و جامع متغیر سرمایه فرهنگی شرکت کنندگان در ورزش همگانی است.

با شناخت واقعیات موجود در جامعه شرکت کنندگان ورزش همگانی می‌توان نسبت به حل مشکلاتی از قبیل وضعیت سلامت افراد، نحوه گذران اوقات فراغت، پایین بودن آمار شرکت کنندگان در ورزش همگانی نسبت به کشورهای منتخب، هدایت و اصلاح بهتر باورها، ارزش‌ها و هنجارهای رایج جامعه و تعلیم و تربیت شهروندان و در نتیجه جلوگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی از طریق ورزش، سیاست‌گذاری و اقدام کرد. این در حالی است که اگر از شناخت این واقعیات و برنامه‌ریزی براساس آن غفلت شود افراد جامعه از جنبه‌های سلامت جسمی و روانی به علت کم‌تحرکی، گسترش ناهنجاری‌های اجتماعی به علت برنامه‌ریزی نامناسب از سوی حکومت و مدیریت شهری برای اوقات فراغت، استفاده نادرست از فرصت‌های فرهنگی - آموزشی موجود در ورزش و در نتیجه گسترش فرهنگ نامناسب در میان شرکت کنندگان و پایین بودن آمار آنها در ورزش همگانی که تأثیرات منفی مختلفی دارد آسیب می‌بینند. از این رو شناخت واقعیات موجود و به خصوص سرمایه فرهنگی شرکت کنندگان در ورزش همگانی که بر فرهنگ جامعه تأثیر می‌گذارند اهمیت و ضرورت ویژه‌ای می‌یابد.

یافته‌های تحقیق مظفری و قره‌نشان داد، ۹۹ درصد هیئت‌های ورزش همگانی هیچ‌گونه پژوهشی در این زمینه انجام نداده بودند (مظفری و قره، ۱۳۸۴: ۱۵۲). در سال‌های اخیر تحقیقاتی صورت گرفته است که به برخی از آنان اشاره شد. در این تحقیقات

سیاستگذاری و ارائه راهکار برای گسترش فرهنگ متعالی ورزش و تأثیر مثبت آن بر همه افراد جامعه مغفول مانده است. همچنین بررسی نتایج تحقیقات نشان داد، برای سیاستگذاری و ارائه راهکار پژوهشی که به بررسی جامع سرمایه فرهنگی شرکت کنندگان در ورزش همگانی به تفکیک زنان و مردان پردازد ضروری به نظر می‌رسد تا شاید بتوان راه حل مناسبی برای این مسئله که «چرا درصد شرکت کنندگان در ورزش همگانی کشور ما از ۲۳ کشور دیگر جهان کمتر است؟» را بیابیم (همان، ۱۳۸۴: ۱۵۲).

از این طریق کاستی‌ها و فزونی‌های ورزش همگانی کشور مشخص می‌شود. این نتایج می‌تواند متولیان و مسئولان را برای برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری در ورزش همگانی یاری کند و ضامن سلامت جسمی و روانی جامعه (سازمان تربیت‌بدنی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴ الف: ۹۳) و دستیابی به ورزش زیبایی‌گرا، آموزنده و وحدت‌آفرین به دور از خشونت، تبعیض و سلطه باشد (همان، ۱۳۸۴ ج: ۱۱۷) که از چشم‌اندازهای سند تفصیلی نظام جامع توسعه تربیت‌بدنی و ورزش کشور در سال ۱۳۸۴ است. در واقع هدف اصلی تحقیق حاضر شناخت وضعیت موجود و تحلیل آن و در نتیجه تعیین سیاست‌ها و راهکارهای متناسب با واقعیات به منظور تحقق شعار «انسان سالم محور توسعه پایدار» از طریق ورزش همگانی با تأکید بر سرمایه فرهنگی است. به عبارت دیگر به وسیله تحلیل سرمایه فرهنگی شرکت کنندگان در ورزش‌های همگانی، می‌توان با تأکید بر علم و فرهنگ افراد جامعه برای تحقق چشم‌اندازهای بیست‌ساله تربیت‌بدنی و ورزش کشور و تحقق شعار انسان سالم محور توسعه پایدار برنامه‌ریزی کرد.

۱ روش‌شناسی

روش تحقیق حاضر توصیفی-زمینه‌یابی است. جامعه آماری را همه مردان و زنان شرکت‌کننده در ورزش‌های همگانی شهر تهران تشکیل می‌دهند. با توجه به گستردگی جامعه تحقیق و عدم دسترسی به فهرست کاملی از همه افراد جامعه، از روش نمونه‌گیری

خوشه‌ای استفاده شد. برای این منظور و طبق دستورالعمل ارزیابی پیوست اجتماعی فرهنگی شهرداری تهران (۱۳۸۷) که همه مناطق ۲۲ گانه شهر تهران را در پنج پهنه‌بندی جغرافیایی مختلف شمال (مناطق ۱، ۲، ۳ و ۵)، شرق (مناطق ۴، ۸، ۱۳، ۱۴ و ۱۵)، غرب (مناطق ۹، ۱۰، ۲۱ و ۲۲)، مرکز (مناطق ۶، ۷، ۱۱ و ۱۲) و جنوب (مناطق ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۰) تقسیم کرده است، از هر پهنه دو منطقه و از هر منطقه چند ایستگاه ورزش همگانی مردان و زنان به صورت تصادفی انتخاب و پرسش‌نامه‌ها را محقق یا در بعضی موارد زنان توسط مربی ورزش همگانی بین شرکت کنندگان به صورت تصادفی توزیع و بعد از دقایقی جمع‌آوری کردند. براساس جدول مورگان تعداد ۳۵۰ مرد و ۳۵۰ زن تعیین شد. تعداد کل پرسش‌نامه‌های توزیع شده در پنج پهنه‌بندی شهر تهران حدود ۸۵۰ عدد بود که از این تعداد ۳۳۰ آزمودنی زن و ۳۲۹ آزمودنی مرد پرسش‌نامه‌ها را تکمیل و به محقق برگرداندند. بنابراین نمونه آماری تحقیق شامل ۶۵۹ نفر از شرکت کنندگان در ورزش همگانی است. گفتنی است از آنجا که تکمیل پرسش‌نامه به داشتن حداقل سواد خواندن و نوشتن نیازمند است، پرسش‌نامه به صورت تصادفی در اختیار افراد باسواد جامعه تحقیق قرار گرفت و افراد بی‌سواد مورد مطالعه قرار نگرفتند. در ضمن سابقه شرکت کردن افراد در ورزش همگانی محدود نشده بود.

به منظور سنجش سرمایه فرهنگی از میزان تحصیلات و مطالعه شرکت کننده و تحصیلات همسر و فرزند او استفاده و به هر کدام از این موارد امتیازی هم‌وزن با ارزش آن داده شد (بدین گونه که به میزان تحصیلات شرکت کننده در سطح زیر دیپلم ۵، دیپلم ۱۲، فوق دیپلم یا دانشجو ۱۵، کارشناسی ۲۱، کارشناسی ارشد ۲۶، دکتری حرفه‌ای ۲۸ و دکتری تخصصی ۳۱ امتیاز تعلق گرفت و امتیازات برای همسر شرکت کننده بین ۴ تا ۲۹ و فرزند شرکت کننده بین ۲ تا ۲۷ متغیر بود. برای میزان مطالعه روزانه فرد، کمتر از یک ساعت امتیاز ۲، بین یک تا دو ساعت امتیاز ۸، بین دو تا چهار ساعت امتیاز ۱۲، بین چهار تا شش ساعت امتیاز ۱۵ و بیشتر از شش ساعت امتیاز ۲۵ تعلق گرفت). پس از تعیین مجموع امتیازات، با عنایت به اینکه افراد مجرد فاقد امتیاز میزان تحصیلات همسر و فرزند و برخی

افراد متأهل نیز فاقد فرزند بودند؛ امتیاز این سه گروه به تفکیک به عدد استاندارد Z تبدیل و افرادی که نمره استاندارد آنها کمتر از منفی یک ($Z < -1$) انحراف استاندارد بود در طبقه پایین، بین منفی یک تا مثبت یک ($-1 < Z < +1$) انحراف استاندارد در طبقه متوسط و بیشتر از مثبت یک ($Z > +1$) انحراف استاندارد در طبقه بالا قرار گرفتند. به منظور مقایسه میانگین امتیازات بین دو گروه زنان و مردان از آزمون t دو گروه مستقل در سطح معناداری $P < 0/05$ استفاده شد.

برای گردآوری اطلاعات از چک لیست محقق ساخته استفاده شد که با استناد به تحقیقات پیشین تنظیم شده بود. به منظور سنجش روایی محتوای^۱ چک لیست از متخصصان نظرخواهی شد. آنها پس از درخواست برخی اصلاحات اعلام کردند که چک لیست مورد نظر سرمایه‌های فرهنگی شرکت کنندگان در تحقیق را می‌سنجد. به منظور تعیین پایایی^۲ چک لیست از روش آلفای کرونباخ استفاده شد؛ برای این منظور سی نفر از نمونه‌های تحقیق در مطالعه مقدماتی^۳ مورد بررسی قرار گرفتند و پس از داده‌پردازی، ضریب آلفای کرونباخ توسط نرم‌افزار آماری SPSS^۴ محاسبه و مقدار ($\alpha = 0/84$) به دست آمده حاکی از همبستگی درونی و همگنی نسبتاً بالای سؤالات چک لیست بود. با این روش سرمایه فرهنگی با متغیرهای میزان مطالعه فرد و تحصیلات همسر و فرزند شخص شرکت کننده در ورزش همگانی به دست آمد، به علاوه متغیرهای جمعیت‌شناختی جنسیت، سن و وضعیت تأهل نیز بررسی شد.

پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌های تکمیل شده، مجموعه داده‌های سرمایه فرهنگی و برخی عوامل دیگر به طور جداگانه طبقه‌بندی و به منظور انجام عملیات آماری از نسخه ۱۶ نرم‌افزار آماری SPSS استفاده شد. سپس از شیوه‌های آمار توصیفی (شاخص پراکنندگی و

1. Content Validity
2. Reliability
3. Pilot Study
4. Statistical Package for Social Science (SPSS)

گرایش مرکزی، مرتبه‌ها و نقطه‌های درصدی و نمره استاندارد (z) برای توصیف و طبقه‌بندی سرمایه فرهنگی، برخی متغیرهای جامعه‌شناختی، نمایش جداول و نمودار استفاده شد. از آنجا که مردان و زنان دو گروه مستقل‌اند و همچنین نمونه تحقیق به صورت تصادفی انتخاب شده برای آزمون این فرضیه که آیا «بین میانگین‌های سرمایه فرهنگی مردان و زنان شرکت کننده در ورزش همگانی تفاوت معناداری وجود دارد» از آزمون پارامتریک t دو گروه مستقل در سطح معناداری $P < 0/05$ استفاده شد. گفتنی است پیش فرض‌های لازم برای استفاده از آزمون t دو گروه مستقل، بررسی طبیعی بودن توزیع داده‌ها و همگونی واریانس داده‌هاست که با استفاده از آزمون‌های کولموگوروف - اسمیرنوف و لیون بررسی شدند.

۲ یافته‌ها

پس از تجزیه و تحلیل اطلاعات، مشخص شد بیشترین شرکت کنندگان در ورزش همگانی (۳۹ درصد) دارای سرمایه فرهنگی متوسط و کمتر هستند. این نتایج به تفکیک زنان و مردان نشان داد، بیشتر مردان (۴۱ درصد) دارای سرمایه فرهنگی متوسط رو به پایین و بیشتر زنان (۴۵ درصد) دارای سرمایه فرهنگی متوسط‌اند.

نتایج حاصل از اجرای آزمون کولموگوروف - اسمیرنوف نشان داد، توزیع فراوانی همه متغیرها منطبق با توزیع نرمال است و نتایج آزمون لیون حاکی از همگونی واریانس‌های دو گروه (زنان - مردان) بود، از این رو برای تحلیل داده‌ها از آزمون‌های آماری پارامتریک استفاده شد. باینکه میانگین نمره سرمایه فرهنگی زنان از مردان بیشتر است ولی نتایج آزمون t دو گروه مستقل نشان داد (جدول ۱)، میزان تفاوت بین سرمایه فرهنگی زنان با مردان شرکت کننده در ورزش همگانی معنادار نیست ($P > 0/05$).

بررسی میزان تحصیلات شرکت کنندگان در ورزش همگانی نشان داد (جدول ۲)، اکثریت مردان (۱۵/۹ درصد) و زنان (۱۹/۴ درصد) با ۳۵/۳ درصد دارای مدرک دیپلم و

اقلیت مردان (۳/۸ درصد) و زنان (۲/۲ درصد) با ۶ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر هستند. همچنین همسر اکثریت مردان (۱۸/۸ درصد) و زنان (۲۱/۳ درصد) با ۴۰/۱ درصد دارای مدرک دیپلم و همسر اقلیت مردان (۱/۹ درصد) دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر و همسر اقلیت زنان (۴/۱ درصد) دارای مدرک فوق دیپلم بوده‌اند. به‌علاوه میزان تحصیلات اکثر فرزندان زیردیپلم (۳۱/۷ درصد) و سپس لیسانس (۲۷/۳ درصد) بوده است؛ در این میان ۱۰/۳ درصد فرزندان مردان و ۱۷ درصد فرزندان زنان، تحصیلات لیسانس داشته‌اند. در ضمن مشخص شد، بیشتر شرکت کنندگان در ورزش همگانی به ترتیب با ۸۳/۳ درصد (۱۷۸ نفر) و ۲۳/۴ درصد (۱۰۹ نفر) فارغ‌التحصیل رشته علوم انسانی و مهندسی هستند. در این میان در رشته فنی مهندسی بیشتر مردان با ۱۸/۵ درصد (۸۶ نفر) و در رشته علوم انسانی بیشتر زنان با ۲۰/۵ درصد (۹۵ نفر) بوده‌اند که این تفاوت در بین مردان و زنان قابل توجه است.

نتایج میزان مطالعه شرکت کنندگان در ورزش همگانی نشان داد، اکثر افراد به ترتیب کمتر از یک ساعت در روز (۵۲/۳ درصد) و بین یک تا دو ساعت در روز (۳۳ درصد) مطالعه دارند، بنابراین با افزایش میزان مطالعه روزانه از میزان مشارکت افراد کاسته می‌شود. در این میان میزان مطالعه زنان کمی بیشتر از مردان است (جدول ۳).

در این تحقیق افراد براساس طبقه‌بندی برودکین^۱ (۱۹۹۰) به سه گروه جوانان (۲۴-۱۶ سال)، میان‌سالان (۴۴-۲۵ سال) و بزرگ‌سالان (۴۵ سال به بالا) تقسیم شده‌اند. نتایج نشان داد، بیشترین و کمترین میزان مشارکت به ترتیب متعلق به بزرگ‌سالان (۴۵ درصد)، میان‌سالان (۴۴/۳ درصد) و جوانان (۱۰/۷ درصد) تعلق دارد (جدول ۴).

نتایج در زمینه وضعیت تأهل شرکت کنندگان در ورزش همگانی نشان داد (جدول ۵)، بیشتر افراد متأهل (۷۵/۸ درصد) و افراد مجرد (۲۳/۱ درصد) و کسانی که همسرشان فوت و یا جدا شده‌اند (۱/۱ درصد) به ترتیب در رده‌های بعدی قرار دارند. گفتنی است، تعداد مردان

1. Brodtkin

مجرد از زنان مجرد دوبرابر بوده، ولی این تفاوت بین مردان و زنان متأهل چشمگیر نبوده است.

۳ بحث و نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های پژوهش، بیشتر شرکت کنندگان در ورزش همگانی دارای سرمایه فرهنگی متوسط و کمتر و با تحصیلات دیپلم و کمتر از دیپلم هستند. این نتایج همسو با یافته‌های شفیع‌ی (۱۳۷۳)، احمدزاده (۱۳۸۱)، یآوری (۱۳۸۱)، تقوی‌تکیار (۱۳۸۵)، زنگی‌آبادی و همکاران (۱۳۸۸)، رضائی‌نژاد و همکاران (۱۳۸۸)، مظاهر حاجی‌آقا (۱۳۸۹) و رضوی و اشکوه‌طاهری (۱۳۸۹) و غیرهمسو با نتایج پژوهش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۱)، عطارزاده حسینی و سهرابی (۱۳۸۶) و حیدری‌چروده (۱۳۸۹) است. بنا به گزارش پژوهش‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۱)، عطارزاده حسینی و سهرابی (۱۳۸۶) و حیدری‌چروده (۱۳۸۹) به ترتیب بیشترین میزان مشارکت، گرایش و نگرش به ورزش در بین افراد با تحصیلات بالا (دکتری و کارشناسی) است، اما شاید این گروه به دلیل عدم فراغت از شرکت در فعالیت‌های ورزشی دور مانده‌اند.

احتمالاً دلیل مغایرت نتایج مقاله حاضر با یافته‌های پژوهش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۱) تفاوت در نمونه و جامعه آماری است؛ در پژوهش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۱) همه افراد جامعه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. همچنین دلیل مغایرت نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش عطارزاده حسینی و سهرابی (۱۳۸۶) و حیدری‌چروده (۱۳۸۹) تفاوت در متغیرهای مورد بررسی است. در مقاله حاضر مشارکت افراد بررسی شده است، در صورتی که در تحقیقات یاد شده نگرش و گرایش آنها مورد مطالعه قرار گرفته است. بنابراین بیشترین میزان مشارکت در فعالیت‌های ورزشی به افراد با سرمایه فرهنگی متوسط و کمتر تعلق دارد، از طرفی افراد با سرمایه فرهنگی بالا گرایش و نگرش بالایی برای شرکت در فعالیت‌های ورزشی داشتند. در نتیجه شرکت افراد با سرمایه فرهنگی متوسط و متوسط رو به پایین به عنوان فرصت تلقی می‌شود.

نتایج تحقیق حاضر نشان داد اکثر مردان شرکت کننده در ورزش همگانی، سرمایه فرهنگی متوسط رو به پایین (۴۱ درصد) و متوسط (۳۹ درصد) داشتند، در حالی که زنان شرکت کننده در ورزش همگانی بیشتر دارای سرمایه فرهنگی متوسط (۴۵ درصد) بودند. بنابراین میانگین نمره سرمایه فرهنگی زنان کمی بیشتر از مردان است که این اختلاف معناداری نیست ($P > 0/05$). این امر احتمالاً به علت افزایش سطح تحصیلات جامعه و به ویژه زنان در چند سال اخیر است که بر حسب منابع موجود چنین مقایسه‌ای بدون سابقه بوده است. بنابراین برای برنامه‌ریزی در ورزش همگانی نباید بین مردان و زنان متفاوتی قائل شد. در نتیجه با توجه به ذهنیت خیره سرمایه فرهنگی متوسط و کمتر ورزش کاران، فرصتی است تا مدیریت شهری با برگزاری کارگاه‌ها، دوره‌ها و حتی از طریق توزیع بروشور، شرکت کنندگان در ورزش همگانی و به خصوص زنان که تربیت کنندگان نسل‌ها هستند را از اهمیت ورزش در نشاط و شادابی خانواده و تأثیر آن بر رشد حرکتی و هوش کودکان و ... آگاه سازد تا از این راه بتوان به گسترش ورزش همگانی و در نتیجه سلامت جامعه کمک کرد.

از نظر سنی بزرگسالان و میانسالان به ترتیب با ۴۴/۹ و ۴۴/۳ درصد بیشترین شرکت کنندگان هستند. این نتایج در مورد میانسالان تقریباً با یافته‌های شفیع (۱۳۷۳)، کاشف (۱۳۷۹)، احمدزاده (۱۳۸۱)، احسانی و همکاران (۱۳۸۶)، زنگی آبادی و همکاران (۱۳۸۸)، رضوانی نژاد و همکاران (۱۳۸۸) و مظاهر حاجی آقا (۱۳۸۹) که بیشترین میزان مشارکت را در گروه سنی ۲۰-۴۰ سال گزارش کرده بودند، همسو است؛ ولی با پژوهش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۱) که بیشترین میزان مشارکت را در افراد بین ۱۸-۱۲ سال گزارش کرده بود، غیر همسوست. دلیل این مغایرت احتمالاً تفاوت در جامعه و نمونه آماری پژوهش است. در نتیجه به نظر می‌رسد، بیشترین میزان مشارکت در افراد میانسال و سپس بزرگسال است. بنابراین مشارکت بزرگسالان و میانسالان فرصت و نازل بودن نسبی پرداختن به ورزش همگانی در میان جوانان نسبت به میانسالان و بزرگسالان در ورزش همگانی تهدید تلقی می‌شود. گزارش‌های شفیع (۱۳۷۳)، کاشف (۱۳۷۹)، زنگی آبادی و همکاران (۱۳۸۸)،

رمضانی نژاد و همکاران (۱۳۸۸)، مظاهر حاجی آقا (۱۳۸۹)، گوهررستمی و همکاران (۱۳۸۹) نشان می‌دهد، بیشتر شرکت کنندگان در ورزش متأهل هستند (۷۶ درصد). از طرفی براساس تحقیق وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۱) و احسانی و همکاران (۱۳۸۶) بیشترین میزان مشارکت در ورزش به افراد مجرد تعلق دارد که این مغایرت احتمالاً به دلیل تفاوت در جامعه و نمونه آماری تحقیقات است. بنابراین پرداختن افراد متأهل به ورزش همگانی با وجود مسائل و مشکلات خانوادگی و معیشتی، فرصت تلقی می‌شود.

میزان مطالعه بیشتر افراد (۵۲/۴ درصد) کمتر از یک ساعت در روز است. براساس منابع موجود بررسی میزان مطالعه ورزش کاران بی‌پیشینه بوده است. در ضمن ۶۵/۵ درصد نمونه تحقیق بیش از یک سال در ورزش همگانی مشارکت داشتند. این موارد در محیط به‌عنوان فرصت تلقی می‌شوند.

۴ پیشنهادها

در آخر به منظور ارائه سیاست‌ها، راهکارها و پیشنهادهای مبتنی بر واقعیات موجود و برای تحقق راهبردها و نیل به چشم‌اندازهای بیست‌ساله ورزش همگانی کشور با تأکید بر سرمایه فرهنگی شرکت کنندگان در ورزش همگانی از تحلیل SWOT استفاده و فهرستی از قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای موجود استخراج شد. گفتنی است قوت‌ها و ضعف‌های ذکر شده واقعیات موجود در جامعه است که تحت کنترل دولت و مدیریت شهری است که اصطلاحاً سیستم نامیده می‌شود. از طرفی، فرصت‌ها و تهدیدها از محیط یعنی شرکت کنندگان در ورزش همگانی به‌دست آمده است که خارج از کنترل حکومت و مدیریت شهری است. برای تعیین این موارد از روش‌های زیر استفاده شده است:

۱. مقایسه با الگوهای مینا: پس از شناخت وضعیت عوامل مؤلفه‌ها و مصادیق، مقایسه با الگوهای مینا صورت می‌گیرد. عملکرد کمتر از میانگین الگوهای مینا ضعف و مقادیر بالاتر از آن قوت در نظر گرفته می‌شود.

۲. مقایسه با ذهنیت خبره: مقایسه وضعیت با ذهنیت خبره یکی از مبانی تشخیص SWOT به‌شمار می‌آید.

۳. منطقی کردن وضعیت: از منطقی کردن عوامل و روابط وضعیت موجود با استفاده از فنون سیستمی برای یافتن کاستی‌ها و فزونی‌ها استفاده می‌شود.

۴-۱ قوت‌ها

وجود فدراسیون ورزش همگانی و گسترش ورزش همگانی ازسوی شهرداری‌ها؛ تولید برنامه‌های ورزشی در رادیو و تلویزیون؛ وجود پایگاه‌های ورزش صبحگاهی در پارک‌ها و اماکن ورزشی؛ افزایش حجم برنامه‌های ورزش همگانی ازسوی مدیریت شهری؛ افزایش همایش‌ها و گردهمایی‌های محله‌ای در راستای گسترش ورزش شهروندی؛ رایگان بودن شرکت در ورزش همگانی، جاذب بودن ورزش برای عموم؛ توان بالقوه اسلام برای رواج تحرک و تربیت‌بدنی و نظر مثبت فقها و اندیشمندان ایرانی در مورد ورزش؛ وجود رسانه‌های بین‌المللی و اینترنت برای اطلاع‌رسانی؛ وجود ظرفیت‌های ورزشی برای آموزش و قانون‌پذیر کردن شهروندان؛ نقش مثبت ورزش در افزایش روحیه همکاری و کارگروهی و هدف‌گرا کردن جامعه؛ نقش مثبت ورزش برای کاستن آفات و ناهنجاری‌های اجتماعی؛ گسترش برنامه‌های ورزشی در رسانه‌های جمعی؛ تأکید بر رایگان بودن ورزش همگانی در قانون اساسی و توانایی ورزش برای کاهش محرومیت اجتماعی و نزدیکی به جامعه شامل.

۴-۲ ضعف‌ها

در دسترس و کافی نبودن امکانات و تجهیزات در ورزش همگانی؛ فقدان برنامه‌های مدون و یکپارچه برای تشویق و ترغیب مردم به ورزش همگانی؛ عدم تبلیغات در رسانه‌ها برای ورزش همگانی؛ نقض در مدیریت و برنامه‌ریزی ورزش همگانی و فقدان مدیریت واحد و

سیاست یکسان؛ نبود برنامه منظم و مشخص درخصوص ورزش همگانی؛ کمبود بودجه ورزش همگانی؛ عدم بهره‌گیری از تسهیلات و فناوری روزآمد برای آموزش ورزش همگانی؛ نامناسب بودن فضای تمرین برای زنان؛ پایین بودن فرهنگ ورزش در جامعه؛ فقدان فرهنگ هزینه کردن (وقت) برای ورزش؛ رواج برنامه‌های تفریحی کاذب در جوامع شهری، نبود نظارت اثربخش بر عملکرد شرکت کنندگان ورزش همگانی؛ استاندارد نبودن فرایند ورزش همگانی؛ دانش پایین برخی از مربیان؛ نازل بودن عضویت در تشکلهای ورزشی؛ موازی کاری در برنامه‌ریزی ورزش همگانی در ارگان‌های مختلف و نبود اتفاق نظر درباره تعاریف ورزش همگانی در بین برنامه‌ریزان و سیاستگذاران جامعه.

۳-۴ فرصت‌ها

بیشتر شرکت کنندگان در ورزش همگانی (۳۹ درصد) دارای سرمایه فرهنگی متوسط و کمتر که به تفکیک مردان (۴۱ درصد) با سرمایه فرهنگی متوسط رو به پایین و زنان (۴۵ درصد) با سرمایه فرهنگی متوسط بودند. بیشتر شرکت کنندگان متأهل و در رده سنی بزرگسال و میانسال بوده‌اند و اکثر آنها بیش از یک سال در ورزش همگانی شرکت داشته‌اند. تأکید پزشکان به اهمیت ورزش در سلامتی، افزایش شمار دانش‌آموخته‌گان رشته تربیت‌بدنی و امکان استفاده از آنها در پایگاه‌های ورزش همگانی، وجود فضاهای مناسب ورزش و تفریحات سالم در کشور و گرایش و نگرش بالای افراد دارای تحصیلات کارشناسی به بالا نسبت به ورزش، از جمله فرصت‌های موجود در این زمینه است.

۴-۴ تهدیدها

رابطه مستقیمی بین تحصیلات و پرداختن به ورزش وجود دارد، به عبارت دیگر با افزایش تحصیلات از میزان مشارکت کاسته می‌شود؛ پایین بودن نسبی مشارکت جوانان در پرداختن به ورزش همگانی در میان جمعیت میانسالان و بزرگسالان؛ کاهش ساعات

اوقات فراغت به دلیل مشکلات معیشتی؛ عدم امکان حضور بخش عمده‌ای از بانوان در ورزش همگانی؛ پایین بودن آگاهی جامعه از فواید فعالیت بدنی و زیان‌های کم‌تحرکی؛ رواج زندگی غیرفعال در میان جامعه و تغییر ساختار شهرها و کاهش فضاهای باز و طبیعی؛ زیاد بودن مرگ‌ومیر زودرس به علت کم‌تحرکی.

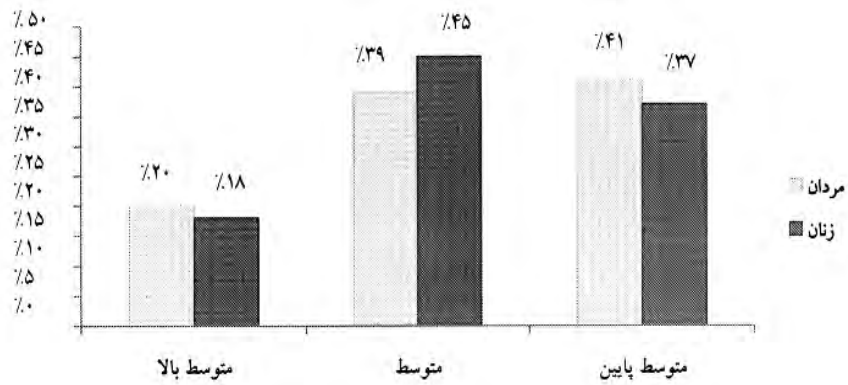
۴-۵ سیاست‌ها و راهکارها

۱. توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات و بهره‌گیری از فناوری‌های نو در آموزش و ترویج فرهنگ ورزش و تحرک در جامعه به‌منظور جلب مشارکت افراد با سرمایه فرهنگی بالا: در این خصوص مسئولان ورزش همگانی کشور با همکاری متخصصان فناوری‌های نو می‌توانند با ساخت برنامه‌های آموزش ورزش و قرار دادن این گونه برنامه‌ها در وب‌سایتی ویژه به ترویج و آموزش ورزش همگانی برای جلب افراد با سرمایه فرهنگی بالا اقدام کنند. از دیگر راهکارها می‌توان به ایجاد نظام متمرکز، یکپارچه و فراگیر اطلاعاتی در شهرها و در راستای ترویج و تبلیغ برنامه‌های ورزش همگانی اشاره کرد. همچنین می‌توان از طریق همکاری با رسانه‌های جمعی و ساخت فیلم‌ها و برنامه‌های آموزشی برای ارتقای آگاهی جامعه نسبت به اهمیت ورزش همگانی اقدام کرد. به‌علاوه ترویج فرهنگ هزینه کردن برای ورزش در میان افراد دارای سرمایه فرهنگی بالا از طریق فناوری نو پیشنهاد می‌شود.
۲. اختصاص بودجه (تبلیغ و ترویج ورزش همگانی) به مراکز علمی: از آنجا که اکثر افراد با تحصیلات بالا نگرش و گرایش بالایی برای مشارکت در ورزش دارند، احتمالاً به دلیل عدم فراغت کافی از شرکت در فعالیت‌های ورزشی دور مانده‌اند. از این‌رو برپایی خانه ورزش در مراکز علمی به‌عنوان یک راهکار معرفی می‌شود.
۳. مدیریت واحد و برنامه ریزی مدون و ایجاد ساختار ملی ورزش همگانی برای جوانان و افراد با سرمایه فرهنگی بالا: در این خصوص پیشنهاد می‌شود، وزارت ورزش و جوانان، مدیریت شهری، فدراسیون ورزش همگانی و دیگر سازمان‌ها یا نهادها که متولی ورزش

همگانی هستند به منظور جلوگیری از موازی کاری زیر نظر مدیریت واحد فعالیت کنند؛ و موانع مشارکت جوانان و افراد با سرمایه فرهنگی بالا در ورزش همگانی مورد بررسی قرار گیرد. همچنین بررسی وضعیت ورزش پرورشی کشور ضروری به نظر می‌رسد. در ضمن باید توجه ویژه‌ای به ایجاد فرهنگ ورزش در کودکان، نوجوانان و جوانان با همکاری آموزش و پرورش شود. به علاوه توصیه می‌شود پژوهشی به طراحی برنامه تمرینی یکپارچه شامل بیست الی سی حرکت ورزشی پایه و اساسی و چگونگی اجرایی کردن آن در ورزش همگانی پردازد.

۴. ترویج فرهنگ مشارکت همگانی در رفع مشکلات شهری و ناهنجاری‌های اجتماعی از طریق ورزش همگانی: با توجه به اینکه اکثر شرکت کنندگان در ورزش همگانی از سرمایه فرهنگی متوسط پایین برخوردارند، بستر مناسبی برای افزایش آگاهی و معرفت افراد در ورزش همگانی مهیاست. بنابراین پیشنهاد می‌شود با مشارکت پیش‌کسوتان در امر آموزش، تبلیغ و ترویج ورزش و فرهنگ پهلوانی در جامعه شهری اقدام شود؛ در ضمن می‌توان با برپایی خانه ورزش کار محله در مراکز تحت پوشش مدیریت شهری نسبت به تبدیل ورزش به هنجار اجتماعی با کمک پیش‌کسوتان ورزشی اقدام کرد. به علاوه برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های توجیهی با تأکید بر اهمیت ورزش در خانواده از منظر اسلام، روایات و علم پیشنهاد می‌شود. در ضمن تأکید اشخاص تأثیرگذار به شرکت مردم در ورزش با استفاده از روایات و شعارهای ورزشی مناسب، احتمالاً تأثیرات مطلوبی در گسترش ورزش همگانی خواهد داشت. در نهایت بررسی سرمایه‌های انسانی دیگر مانند سرمایه اجتماعی، اقتصادی شرکت کنندگان در ورزش همگانی و همچنین بررسی نحوه گذران اوقات فراغت افراد مجرد در این بخش ضروری به نظر می‌رسد.

پیوست ۱ نمودار



مأخذ: برگرفته از یافته‌های محقق.

نمودار ۱ مقایسه سرمایه فرهنگی شرکت کنندگان در ورزش همگانی به تفکیک جنسیت

پیوست ۲ جداول ۱

جدول ۱ نتایج آزمون t-test دو گروه مستقل

عنوان	میانگین	انحراف معیار	اختلاف میانگین	ارزش t	درجه آزادی	ارزش p
سرمایه فرهنگی مردان	۲۲/۴۹۵	۱۲/۴۲۹	-۰/۸۳۸	-۰/۸۹۶	۶۱۱	۰/۳۷۱
سرمایه فرهنگی زنان	۲۳/۲۳	۱۱/۵۱				

مأخذ: برگرفته از یافته‌های محقق.

۱. تفاوت در تعداد آزمودنی‌های گزارش شده در هر یک از جداول به دلیل عدم پاسخ‌گویی آزمودنی‌های تحقیق به سؤال مربوط به آن متغیر است. بنابراین تعداد آزمودنی‌های تحقیق با تعداد گزارش شده در جداول در متغیرهای گوناگون سرمایه فرهنگی یکسان نیست.

جدول ۲ فراوانی و درصد فراوانی میزان تحصیلات همسر، فرزند و فرد شرکت کننده در ورزش همگانی به تفکیک جنسیت

عنوان	فراوانی		درصد فراوانی		فراوانی		درصد فراوانی		عنوان
	فرد	همسر	فرد	همسر	فرد	همسر	فرد	همسر	
مردان	فراوانی	۵۰	۶۸	۱۰۰	۱۵/۶	۱۷/۱	۲۷/۲	۳۱/۷	فردان
	درصد فراوانی	۱۷/۱	۱۵/۶	۱۲/۲	۱۰/۴	۱۳/۸	۱۳/۱	۱۷/۳	درصد فراوانی
زنان	فراوانی	۹۷	۷۰	۱۲۲	۱۲۲	۱۶/۱	۱۳/۸	۱۷۳	فردان
	درصد فراوانی	۹۷	۷۰	۱۲۲	۱۲۲	۱۶/۱	۱۳/۸	۱۷۳	درصد فراوانی
جمع	۲۷۵	۱۳۱	۳۱۷	۳۵۳	۳۱/۷	۳۵/۳	۳۱/۷	۳۵/۳	جمع
کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	کل

مأخذ: همان.

جدول ۳ فراوانی و درصد فراوانی میزان مطالعه شرکت کنندگان در ورزش همگانی به

تفکیک جنسیت

عنوان	فراوانی	زیر ۱ ساعت	۱ تا ۲ ساعت	۲ تا ۴ ساعت	۴ تا ۶ ساعت	بیش از ۶ ساعت	کل
مردان	فراوانی	۱۶۱	۸۷	۱۵	۱۵	۱۰	۲۸۸
	درصد فراوانی	۲۷	۱۴/۶	۲/۵	۲/۵	۱/۷	۴۸/۳
زنان	فراوانی	۱۵۱	۱۱۰	۳۱	۵	۱۱	۳۰۸
	درصد فراوانی	۲۵/۳	۱۸/۵	۵/۲	۰/۸	۱/۸	۵۱/۷
جمع	فراوانی	۳۱۲	۱۹۷	۴۶	۲۰	۲۱	۵۹۶
	درصد فراوانی	۵۲/۳	۳۳/۱	۷/۷	۳/۳	۳/۵	۱۰۰

مأخذ: همان.

جدول ۴ فراوانی و درصد فراوانی رده سنی شرکت کنندگان در ورزش همگانی به

تفکیک جنسیت

عنوان	فراوانی	جوانان	میان سالان	بزرگ سالان	کل
مردان	فراوانی	۴۰	۱۲۳	۱۲۹	۲۹۲
	درصد فراوانی	۶/۵	۲۰/۱	۲۱/۱	۴۷/۷
زنان	فراوانی	۲۶	۱۴۸	۱۴۶	۳۲۰
	درصد فراوانی	۴/۲	۲۴/۲	۲۳/۹	۵۲/۳
جمع	فراوانی	۶۶	۲۷۱	۲۷۵	۶۱۲
	درصد فراوانی	۱۰/۷	۴۴/۳	۴۵	۱۰۰

مأخذ: همان.

جدول ۵ فراوانی و درصد فراوانی وضعیت تأهل شرکت کنندگان در ورزش همگانی به

تفکیک جنسیت

عنوان	فراوانی	متأهل	مجرد	نوع دیگر	کل
مردان	فراوانی	۲۱۱	۱۰۰	۲	۳۱۳
	درصد فراوانی	۳۲/۷	۱۵/۵	۰/۳	۴۸/۵
زنان	فراوانی	۲۷۸	۴۹	۵	۳۳۲
	درصد فراوانی	۴۳/۱	۷/۶	۰/۸	۵۱/۵
جمع	فراوانی	۴۸۹	۱۴۹	۷	۶۴۵
	درصد فراوانی	۷۵/۸	۲۳/۱	۱/۱	۱۰۰

مأخذ: همان.



منابع و مآخذ

۱. اداره کل تنقیح و تدوین مقررات مجلس شورای اسلامی (۱۳۵۹). *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*.
۲. آقاعلی‌نژاد، حمید و همکاران (۱۳۸۴). «ارتباط میزان فعالیت بدنی، آمادگی جسمانی و ترکیب بدنی با وضعیت اجتماعی - اقتصادی دانش‌آموزان دختر ۱۷-۱۵ سال تهران»، *نشریه علوم حرکتی و ورزش*، ش ۶.
۳. احسانی، محمد و همکاران (۱۳۸۶). «بررسی و تجزیه و تحلیل عوامل بازدارنده و میزان مشارکت زنان شهر تهران در فعالیت‌های ورزش تفریحی»، *نشریه پژوهش در علوم ورزشی*، ش ۱۷.
۴. احمدزاده، ایرج (۱۳۸۱). «تجزیه و تحلیل و رابطه وضعیت اجتماعی - اقتصادی (SES) ورزش‌کاران مرد بالای ۲۰ سال شهرستان زنجان در رشته‌های منتخب ورزشی با عملکرد آنها»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مرکز آموزش مدیریت دولتی زنجان*.
۵. ایازی، سیدمحمد هادی (۱۳۸۹). *چکیده مقالات برگزیده دومین همایش ملی توسعه ورزش شهروندی، تهران، معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران*.
۶. پورافکاری، نصرت‌اله (۱۳۷۳). *فرهنگ جامع روان‌شناسی و روان‌پزشکی*، ج ۱، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر، چاپ اول.
۷. تقوی‌تکیار، سیدامید (۱۳۸۵). «بررسی وضعیت اجتماعی، اقتصادی و انگیزه شرکت‌کنندگان در ورزش‌های همگانی»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان*.
۸. جوانمرد، کمال و ساره ساسان (۱۳۸۹). «بررسی جامعه‌شناختی نقش سرمایه فرهنگی در بازتولید طبقه اجتماعی در بین مردان ۴۰-۵۰ ساله شهر بندرعباس در سال ۱۳۸۸»، *فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال چهارم*، ش ۱۱.
۹. حیدری‌چروده، مجید (۱۳۸۹). «بررسی میزان و علل مشارکت شهروندان تهران در ورزش همگانی»، *چکیده مقالات برگزیده دومین همایش ملی توسعه ورزش شهروندی، تهران، معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران*.
۱۰. خوش‌چهره، محمد (۱۳۸۹). «ورزش، اقتصاد شهری، حکمرانی یا مدیریت واحد شهری»، *چکیده مقالات برگزیده دومین همایش ملی توسعه ورزش شهروندی، تهران، معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران*.
۱۱. رضوی، محمدحسین و رضا اشکوه‌طاهری (۱۳۸۹). «بررسی وضعیت اجتماعی - اقتصادی (SES) افراد شرکت‌کننده در فعالیت‌های ورزشی همگانی استان مازندران»، *نشریه مدیریت ورزشی*، ش ۵.

۱۲. رضائی نژاد، رحیم و همکاران (۱۳۸۸). «بررسی انگیزه‌های شرکت کنندگان در ورزش‌های همگانی در فضاهای روباز»، نشریه مدیریت ورزشی، ش ۲.
۱۳. روحانی، حسن (۱۳۸۸). «درآمدی بر نظریه سرمایه فرهنگی»، فصلنامه راهبرد فرهنگ، سال هجدهم، ش ۵۳.
۱۴. زنگی آبادی، علی و همکاران (۱۳۸۸). «تحلیل پراکنش فضایی مبلمان ورزشی در پارک‌های شهری و تأثیر آن بر رضایت و استقبال شهروندان (مطالعه موردی: شهر اصفهان)»، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی گروه جغرافیا، سال اول، پیش شماره ۲.
۱۵. سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی ایران (مرکز ملی مدیریت و توسعه ورزش کشور) (۱۳۸۴ الف). «مطالعات تفصیلی توسعه ورزش همگانی و تفریحی، انتشارات سیب سبز.
۱۶. _____ (۱۳۸۴ ب). «مطالعات تلفیقی سند راهبرد نظام جامع تربیت بدنی و ورزش.
۱۷. _____ (۱۳۸۴ ج). «مطالعات تفصیلی توسعه فرهنگ ورزش، انتشارات سیب سبز.
۱۸. شارع پور، محمود و غلامرضا خوش فر (۱۳۸۱). «رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان (مطالعه موردی: شهر تهران)»، فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۲۰.
۱۹. شفیع، محسن (۱۳۷۳). «بررسی وضعیت اجتماعی - اقتصادی (SES) افراد شرکت کننده در ورزش‌های همگانی شهر تهران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
۲۰. صابریان، معصومه و همکاران (۱۳۸۲). «بررسی وضعیت اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و نحوه گذران اوقات فراغت سالمندان ساکن در مناطق شهری تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی سمنان»، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی سمنان. جلد ۴، ش ۳ و ۴.
۲۱. صدیق سروستانی، رحمت اله (۱۳۸۳). «فرهنگ و نابرابری رفتارهای ورزشی»، المپیک، سال دوازدهم، ش ۱ (پیاپی ۲۵).
۲۲. صفایا، علی محمد (۱۳۸۰). «نحوه گذراندن اوقات فراغت دانشجویان دختر دانشگاه‌های آزاد اسلامی کشور با تأکید بر فعالیت‌های ورزشی»، حرکت، ش ۹.
۲۳. عطارزاده حسینی، سیدرضا و مهدی سهرابی (۱۳۸۶). «توصیف نگرش و گرایش مردم شهر مشهد به فعالیت‌های حرکتی و ورزشی»، المپیک، سال پانزدهم، ش ۱ (پیاپی ۳۷).
۲۴. غفوری، فرزاد (۱۳۸۲). «تعیین عوامل اصلی مؤثر بر گرایش به ورزش همگانی و قهرمانی برای تعیین راهبردهای ورزش در جمهوری اسلامی ایران»، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
۲۵. غفوری، فرزاد و همکاران (۱۳۸۲). «مطالعه و بررسی نگرش متخصصان تربیت بدنی به نقش رسانه‌های

۲۶. جمعی (راديو، تلویزیون و نشریات) در گرایش مردم به ورزش قهرمانی و همگانی، حرکت، ش ۱۶.
۲۷. فراهانی، ابوالفضل و کیوان شعبانی مقدم (۱۳۸۸). قواعد پژوهشگری در تربیت بدنی با تأکید بر نگارش پایان‌نامه و مقاله، تهران، اندیشه‌های حقوقی، چاپ اول.
۲۸. قرائتی، محسن (۱۳۹۰). راهکارهای تقویت انگیزه و نشاط، تهران، نشر مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ سوم.
۲۹. کاشف، میرمحمد (۱۳۷۹). «بررسی وضعیت ورزش همگانی در ایران و توصیه برای توسعه آن»، چکیده مقالات چهارمین همایش ملی تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه گیلان.
۳۰. گوهررستمی، حمیدرضا و همکاران (۱۳۸۹). «بررسی ارتباط بین کیفیت خدمات و رضایت‌مندی شرکت کنندگان در ایستگاه‌های تندرستی پارک‌های شهر تهران». چکیده مقالات برگزیده دومین همایش ملی توسعه ورزش شهروندی، تهران، معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.
۳۱. مظاهر حاجی آقا، غلامرضا (۱۳۸۹). «بررسی انگیزه و رابطه آن با وضعیت اقتصادی و اجتماعی شرکت کنندگان در ورزش‌های صبحگاهی شهر تبریز»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام‌نور.
۳۲. مظفری، امیراحمد و محمدعلی قره (۱۳۸۴). «وضعیت ورزش همگانی ایران و مقایسه آن با چند کشور منتخب جهان»، نشریه علوم حرکتی و ورزش، ش ۶.
۳۳. واعظ موسوی، سیدمحمد کاظم و صادق نصری (۱۳۸۳). «بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی و روان‌شناختی مربیان ورزش کشور»، تهران، پژوهشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
۳۴. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۱). «رفتارهای فرهنگی ایرانیان»، طرح ملی.
۳۵. یآوری، ناهید (۱۳۸۱). «بررسی وضعیت اجتماعی - اقتصادی بانوان شرکت‌کننده در کلاس‌های آمادگی جسمانی شهر یزد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.
36. Brodtkin, P. and M. R. Weiss (1990). "Developmental Differences in Motivation for Participating in Competitive Swimming", *Journal of Sport and Exercise Psychology*, 12.
37. Sieracki, J., H. S. C. Leone, S. A. Miller and J. S. Lyons (2008). "Individual and Provider Effects on Mental Health Outcomes in Child Welfare: A Three Level Growth Curve", *Approach Children and Youth Services Review*, 30.